

سهم آذربایجان در فرهنگ فارسی‌نویسی*

حسن انوری

در نخستین سده‌های هجری که زبان فارسی اندک‌اندک شکوفا می‌شد و شاعران زبان باز می‌کردند، فرهنگ‌نویسان نیز در کنار شاعران و نویسندگان به حفظ و گسترش زبان فارسی مدد می‌رسانیدند و خود وجود دو فرهنگ به زبان پهلوی نشان از آن دارد که سنت فرهنگ‌نویسی از دوره ساسانی وجود داشته و در دوره اسلامی بدل به فرهنگ فارسی‌نویسی شده است. از قدیم‌ترین فرهنگ‌ها به تصریح محمدبن اسحاق بن الندیم در کتاب *الفهرست* فرهنگ ابو عیسی‌بن علی بن عیسی بن داود الجراح است، مردی یگانه روزگار خویش در منطق و علوم که در اواخر سده سوم و اوایل سده چهارم هجری می‌زیسته است (ابن‌الندیم ۱۸۶، دبیر سیاقی ۷) از این رساله جز سخن ابن‌الندیم آگاهی دیگری نداریم. پس از آن باید از رساله ابو حفص نام ببریم که تا دوره صفویه باقی بوده و فرهنگ‌نویسان دوره از آن بهره برده‌اند. آیا ابن ابو حفص همان ابو حفص حکیم ابن احوص سغدی مخترع شهرود در بغداد به سال ۳۰۰ هجری و از نخستین

* بخارا، خرداد - تیر ۱۳۹۲، شماره ۹۳، صص ۱۶ تا ۳۰. متن سخنرانی در بنیاد شهریار تبریز

سرایندگان شعر به پارسی است که شمس قیس در *المعجم* (ص ۲۰۸) از او یاد می‌کند. چیزی به یقین نمی‌دانیم. در برخی از نسخه‌های *کشف‌الظنون* کتاب لغتی به رودکی نسبت داده شده است به نام *تاج المصادر*، تا مأخذ دیگری آن را تأیید نکرده باید به تردید در آن بنگریم. به ابوالفضل محمدحسین بن حسین بیهقی (۳۸۶-۴۷۰) مورخ نامی و دبیر و صاحب دیوان رسالت در دربار غزنویان و نگارنده *تاریخ بیهقی* دفتری در لغت نسبت داده شده است که در آن برای سیصد و هفتاد لغت فارسی معادل‌های تازی آمده است بی‌هیچ ترتیبی. رساله چنین آغاز می‌شود: این فصلی است از رسائل ابوالفضل شاگرد بونصر مشکان دبیر سلطان محمود مشتمل بر چند سخن که دبیران در قلم آرند بدان که به‌جای بستاخی، انبساط نویسند به جای خویشتن کشیدن انقباض نویسند و به جای ترسانیدن تهدید نویسند ... این رساله را، علی‌اصغر حکمت در مجموعه سخن پارسی نغز (ص ۳۸۴ - ۳۹۸) به سال ۱۳۲۹ در تهران به چاپ رسانیده است. اگر صحت انتساب رساله ابوالفضل بیهقی محرز باشد این رساله را نمی‌توان فرهنگ به حساب آورد. فرهنگ به معنی دقیق کلمه نخستین بار در آذربایجان به رشته تحریر در می‌آید و آن فرهنگ منسوب به قطران ارموی و فرهنگ اسدی طوسی است. از فرهنگ *قطران* نسخه‌ای در کتابخانه مدرسه عالی سپهسالار محفوظ است که تاکنون دوبار به چاپ رسیده است. بار نخست به وسیله دکتر عسکر حقوقی به نام *فرهنگ قطران* و بار دیگر به وسیله دکتر علی اشرف صادقی به نام *فرهنگ مدرسه عالی سپهسالار*. دکتر صادقی چون در صحت انتساب نسخه تردید داشته فرهنگ را به نام فرهنگ مدرسه عالی سپهسالار چاپ کرده است. دکتر دبیر سیاقی هسته اصلی فرهنگ *قطران* را در نکته‌ای یافته است که

ناصر خسرو در سفرنامه خود بدان پرداخته است. ناصر خسرو می‌نویسد: در تبریز قطران نام شاعری را دیدم که شعر نیک می‌گفت اما زبان فارسی نیکو نمی‌دانست. پیش من آمد و دیوان منجیک و دقیقی بیاورد و پیش من بخواند و هر معنی که او را مشکل بود از من پرسید. با او گفتم و شرح آن بنوشت. دکتر دبیر سیاقی می‌نویسد: این شرح به‌خوبی نشان می‌دهد که سلسله جنبان تألیف و علت اصلی تدوین لغت‌نامه قطران ظاهراً توضیحات و شروحو بوده است که ناصر خسرو درباره معانی لغات و مضامین اشعار دو شاعر دری‌زبان یعنی اشعار دقیقی و منجیک داده است (ص ۱۵). فرهنگ قطران را اگر نسبت نسخه مدرسه عالی سپهسالار بر وی درست باشد باید قدیم‌ترین لغت موجود زبان فارسی دانست. محمدبن هندوشاه در صحاح‌الفرس نیز به این نکته متذکر شده است، آنجا که می‌نویسد: اول کس که به ترتیب لغت فرس مشغول شد و آن را به کتابت مقید گردانید قطران ارموی بود. (صحاح‌الفرس، ص ۸) فرهنگ اسدی یا لغت فرس اسدی نیز از نخستین فرهنگ‌هایی است که در آذربایجان به زبان فارسی تدوین شده است. ترتیب لغات در این فرهنگ چنانکه خود اسدی نیز متذکر شده است براساس حرف آخر است به‌عنوان باب یعنی لغاتی که حرف آخر آنها حرف الف است به‌عنوان باب الف شروع کرده و به لغاتی که حرف آخرشان ی است ختم کرده است. لغت‌نامه اسدی مستند به شعر است لیکن چنانکه دکتر فتح‌الله مجتبائی تحقیق کرده است درج شواهد در این کتاب کار خود اسدی نبوده و بعد از او یکی از شاگردانش به تنظیم و ترتیب آن پرداخته و شواهد لغات را بر معانی افزوده است (فتح‌الله مجتبائی، ص ۹ و ۱۰) از لغت فرس اسدی چندین نسخه خطی در دست است. از آن جمله نسخه مورخ ۷۳۳ هـ

ق. مضبوط در کتابخانه واتیکان است که پاول هرن از روی آن در شهر گوتینگن آلمان در سال ۱۸۹۷ چاپی با مقدمه‌ای سودمند ترتیب داده است و دکتر محمد دبیرسیاقی آن را عیناً به سال ۱۳۱۹ هـ در تهران به چاپ رسانده است. چاپ دیگر این فرهنگ، چاپ معروف عباس اقبال است. اقبال چهار نسخه از این کتاب را که یکی از آنها چاپ پاول هرن بوده، در دست داشته، لغاتشان را درهم آمیخته و در سال ۱۳۱۹ هـ. ش در تهران به چاپ رسانده است، چاپ دیگر این کتاب را فتح‌الله مجتبائی و علی‌اشرف صادقی براساس نسخه دانشگاه پنجاب که به گفته مصححان از روی نسخه‌ای بسیار کهن نوشته شده در سال ۱۳۶۵ در تهران به چاپ رسانده‌اند. در لغت فرس تلفیقی عباس اقبال از حدود ۱۰۰ شاعر ابیاتی به‌عنوان شاهد نقل گردیده و ۲۳۹۰ لغت عنوان شده است. با توجه به چند لغتی که صورت واحد اما معانی مختلف دارند و در فهرست فقط با یک صورت نقل گردیده‌اند، می‌توان تعداد لغات آن را ۲۴۰۰ دانست اما در چاپ دبیر سیاقی که براساس چاپ پاول هرن است ۱۱۹۶ لغت اصلی عنوان شده و ۱۱۸ لغت هم به‌عنوان مترادف عنوان شده و از ۷۵ شاعر، ۳۳۵ بیت شعر به‌عنوان شاهد نقل شده (دبیر سیاقی ۱۸) بعد از لغت فرس اسدی باید از صحاح/الفرس یاد کنیم، آن هم به دست یک آذربایجانی صورت تألیف یافته، مؤلف آن شمس‌الدین محمد بن فخرالدین هم هندوشاه نخجوانی معروف به شمس است. مؤلف ندیم یا منشی خواجه غیاث‌الدین وزیر فرزند خواجه رشیدالدین فضل‌الله وزیر معروف ایلخانان بوده که در سال ۷۲۸ هـ. ق کتاب را به نام او تألیف کرده است. کتاب دیگری به‌نام دستورالکتاب دارد که در شوروی سابق چاپ شده است. مؤلف صحاح‌الفرس نادرستی‌ها و اشتباهات لغت فرس اسدی را نقد کرده و اشعاری از

شاعران بعد از عهد اسدی را با شاهد آن آورده و برخی از شواهد اسدی را هم نقل کرده است و مانند اسدی ترتیب لغات را بر حرف آخر نهاده سپس مراعات حرف اول کلمه را در هر باب کرده اما حروف اواسط کلمه را در ترتیب ملحوظ نداشته. در این کتاب جمعاً از ۱۴۰ شاعر ابیاتی به شاهد آمده است و جمعاً ۲۲۸۰ لغت آورده است. این فرهنگ را شادروان دکتر عبدالعلی طاعتی تصحیح کرده و در ۳۴۳ صفحه متن و ۲۳ صفحه مقدمه در سلسله انتشارات بنگاه ترجمه و نشر کتاب به سال ۱۳۴۱ ه.ش در تهران به چاپ رسانده است (صحاح الفرس، مقدمه، دبیر سیاقی ۳۶-۴۱) بعد از صحاح الفرس در زمینه سهم آذربایجان در فرهنگ فارسی نویسی باید از فرهنگ بسیار معروف برهان قاطع یاد کنیم. برهان قاطع اگرچه در هند تألیف یافته ولی مؤلف آن یکی از فرزندان آذربایجان است و باید آن را جزء فرهنگ‌هایی که از این سرزمین نشأت گرفته‌اند به‌شمار آورد. مؤلف آن محمدحسین بن خلف تبریزی است. از احوال او آگاهی بسیار در دست نیست. سال تولد و مدت عمرش معلوم نمی‌باشد. نوشته‌اند پس از تحصیلات از تبریز به هند رفته و به دیار سلطان عبدالله قطب شاه هفتمین پادشاه شیعی مذهب گُلکنده از سلاطین جنوب هند پیوسته و برهان قاطع را در سال ۱۰۶۲ ه.ق تألیف کرده است و کتاب چنان شهرت یافته که مؤلف نیز به برهان یا ملا برهان مشهور شده و در حیدرآباد به ندیمی دانشمند بلندمقام شیخ شمس‌الدین عاملی رسیده و شخص اخیر، شاگرد نام‌آور شیخ بهاء‌الدین عاملی دانشمند نامی عهد صفوی بوده. مقام علمی برهان تبریزی مورد تردید برخی از محققان معاصر واقع شده اما باید دانست گذشته از مصاحبت و همدمی وی با عالمی بزرگ و صاحب مقام چون شمس‌الدین عاملی که لازمه اهلیت و فضل

است و تألیف فرهنگی چون *برهان قاطع* که از دانش و فضل مؤلف آن حکایت دارد، «نظاما» مؤلف *حدیقه السلاطین* که خود مردی ادیب و عضو حوزه علمیه شمس‌الدین عاملی بوده از *برهان* به احترام یاد می‌کند و او را جامع‌الفنون می‌خواند. این گواهی و آن مصاحبت نشان از آن توانند بود که وی بی‌فضل و خالی از مراتب کمال نبوده است. با این همه شهرت وی مرهون توجهی است که به کتاب او یعنی *برهان قاطع* شده است و سبب این توجه چند چیز است، یکی آن که وی هرچه توانسته لغات و ترکیبات را از فرهنگ‌ها و منابع دیگر بیرون کشیده و یک‌جا گردآورده و خواننده را از مراجعه به کتب لغت مختلف بی‌نیاز ساخته است، دیگر آن که به آن انبوه و ترکیبات، ترتیب دقیق الفبایی داده و سهولت بسیار برای جوینده در برابر دشواری‌ها و ناهمسانی‌های ترتیب لغات غالب فرهنگ‌های پیش از خود ایجاد کرده است. سوم آن که مشتق لغات و ترکیبات تازه و نو در زمینه‌های مختلف به‌خصوص لغات طبی (اگرچه گاه مجعول یا خارج از محدوده لغت) به خوانندگان عرضه داشته و این همه همراه بخت بلندی باعث گردیده که کتاب وی در هند از ارکان لغت تلقی شود و صنعت چاپ مؤید این اقبال مساعد شده است تا بارها در ایران و هند به طبع برسد و بالاتر از همه اینها دانشمندی چون دکتر محمد معین به تصحیح و تحشیه آن همت گمارد و آن را حتی در روزگار ما مرجعی برای جویندگان لغت قرار دهد. محمدحسین بن خلف تبریزی منابع کار خود را چهار کتاب ذکر می‌کند: فرهنگ جهانگیری، مجمع‌الفرس سروری، *سرمه سلیمانی* و *صحاح الادویه* حسین انصاری، اما بررسی در *برهان قاطع* نشان می‌دهد که به منابع دیگری نیز توجه کرده است. دکتر معین می‌نویسد تقلید و پیروی صاحب *برهان* از فرهنگ

جهانگیری به درجه‌ای است که در بعضی موارد عیناً کلمات و عبارات و جمل جهانگیری را بیان و نقل کرده است. مؤلف برهان در مقدمه کتاب خود پس از حمد خدا و نعمت رسول اکرم با عباراتی مناسب و رنگین به بیان کیفیت کار و ذکر مآخذ و منابع تألیف می‌پردازد و از قطب شاه و تاریخ اتمام کتاب یاد می‌نماید. سپس نه فایده عنوان می‌کند: **فایده اول:** در بیان معرفت زبان دری و پهلوی. **فایده دوم:** در بیان چگونگی زبان فارسی. **فایده سوم:** در بیان معرفت تعداد حروف تهجی و تفرقه میان دال و ذال و صیغه‌هایی که در فارسی است. **فایده چهارم:** در بیان تجویز تبدیل هریک از حروف بیست و چهارگانه به حرف دیگر. **فایده پنجم:** در ضمایر و آن از چند حرف به هم رسد. **فایده ششم:** در بیان حروف مفرده که در اوایل و اواسط و اواخر کلمات به جهت دریافت معانی مقصوده بیاورند. **فایده هفتم:** در ذکر حروف و کلماتی که به جهت حُسن و زیب کلام می‌آورند. **فایده هشتم:** در ذکر حروف و کلماتی که در آخر اسماء و افعال جهت معانی گوناگون درآورند. **فایده نهم:** در بیان توصیف آنچه صاحبان املا را از دانستن آن گریز نیست. مؤلف پس از آن بیست و نه گفتار می‌آورد. هر گفتاری مربوط به یکی از حروف بیست و هشتگانه و گفتار بیست و نهم در لغات متفرقه که جمعاً هفتاد و یک لغت مورد اشاره اوست. مجموع لغاتی که در این فرهنگ آمده برحسب شمارش دکتر محمد معین و مدرس رضوی و براساس چاپ‌های مختلف چنین است: ۱۹۰۶۰، ۱۹۴۱۷، ۲۰۱۴۹، ۲۰۲۱۱، ۲۰۲۱۵ لغت.

لغات برهان همگی از ریشه فارسی نیستند، عربی، ترکی، سریانی، یونانی، لاتینی، هندی و گویش‌های ایرانی و غیرایرانی را مستقلاً یا در ترکیب لغات دیگر داخل خود دارند. مؤلف با آن که تصور صحیحی از زبان‌های ایرانی

و غیرایرانی نداشته به فرس قدیم و اوستایی و پهلوی و حتی به زبان دری اشاره و از آنها عنوان لغت کرده است. آوردن دویست و هفتاد و چهار هزوارش (لغاتی که به آرامی نوشته و به فارسی خوانده‌اند) تحت عنوان لغات زند و پازند در ردیف لغات فارسی اشتباه بزرگی است که مؤلف به دنبال جهانگیری مرتکب شده است درحالی که این لغات مطلقاً در نظم و نثر فارسی به کار نرفته‌اند و از زبان فارسی نیستند. اشتباه دیگر وی نقل بی‌دریغ لغات دساتیری است. مؤلف نخستین کسی است که این لغات مجعول و برساخته را در کتاب خود جمع کرده است. لغت‌شناس نامدار معاصر دکتر محمد دبیرسیاقی پس از اشاره به لغات هزوارش و دساتیر می‌نویسد: «حذف شواهد شعری و نثری لغات به منظور جای دادن لغات بیشتر در فرهنگ خود یکی دیگر از نقائص مهم کار اوست و به نقائص دیگر او اشاره می‌کند از جمله جمع آوردن ضبط و حرکات مختلف لغتی بدون تشخیص صحیح از سقیم و نیز گرد آوردن معانی گوناگون منقول برای لغتی بی‌داوری و نقد عاملانه میان آنها و نقل کردن کلمات محرّف و مصحّف و دگرگون شده بدون نشان دادن وجه اصلی همچنین ارتکاب اشتباهات بسیار در اعلام تاریخی و جغرافیایی و نقل خرافات و اساطیر به عنوان حقایق ثابت از دیگر نقائص برشمردنی است که مع الوصف به کتاب ختم نشده، بلکه به سبب رواج و توجه بسیار مردم خاصه فرهنگ‌نویسان به برهان قاطع موجب گمراهی لغویان و اغوای شاعران و محققان در انباشتن آثار خود بدان مجعولات و خطاها گشته و بسیاری نام‌ها و نام‌های خانوادگی بی‌ریشه و بن را مراجعه به این کتاب داع باطله بر پیشانی زده است.»

مزایای برهان قاطع و معایب آن سبب گردیده که بیش از هر فرهنگی مورد نقد و بررسی قرار گیرد. یک قرن بعد از تألیف برهان قاطع خان آرزو ادیب و محقق فارسی زبان هند کتابی به نام *سراج اللغات در نقد برهان* تألیف کرد. پس از وی اسدالله غالب دهلوی شاعر معروف کتابی در برخی از الفاظ برهان به نام *برهان ساطع* به رشته تحریر درآورد. کتاب‌های دیگری که در نقد برهان یا دفاع از آن به رشته تحریر درآمد *ساطع برهان* از میرزا رحیم میر تهی، مؤید برهان از آغا احمدعلی شیرازی، *قاطع القاطع* از امین‌الدین دهلوی، *رافع هذیان* از نجفقلی خان جهجری، *لطایف غیبی* به زبان اردو، *نامه غالب* از میرزا غالب دهلوی، و *قطعه غالب*، *هنگامه دل‌آشوب*، *تیغ تیز*، *تیغ تیزتر* همگی در رد یا تأیید برهان یا یکدیگر. برهان قاطع مأخذ مهم فرهنگ‌های تدوین یافته در سال‌های بعد از تألیف آن کتاب بوده است. از جمله *انجمن آرای ناصری*، *فرهنگ آندراج*، *فرهنگ نفیسی* و نیز فرهنگ‌های فارسی به لاتین *فولرس*، فارسی و عربی به انگلیسی *جانسون*، فارسی به انگلیسی *استینگاس*، و فارسی به فرانسه *دمزن* و فارسی به ترکی *فرهنگ ضیا*. (برای اطلاعات بیشتر درباره برهان قاطع مراجعه شود به مقدمه برهان قاطع، پیش‌گفتار شادروان دکتر محمد معین بر چاپ خود از برهان قاطع و کتاب *فرهنگ‌های فارسی* تألیف دکتر محمد دبیر سیاقی) فرهنگ دیگری که شایسته است از لحاظ ترتیب تاریخی در اینجا نام برده شود فرهنگ عباسی تألیف نایب‌الصدر صدرالدین محمد تبریزی فرزند محمدرضا متخلص به شفا است. مؤلف که در لغت و هم‌چنین در فقه دست داشته در سال ۱۲۲۵ هجری شروع به تألیف کرده است. از دیباچه آن بر می‌آید که کار به فرمان عباس میرزا نایب‌السلطنه صورت گرفته است. کتاب مشتمل است بر لغات فارسی

که به ترتیب حروف آخر و اول مرتب شده و لغات مترادف را در ذیل یکی از مشاهیر آن آورده است. در این فرهنگ برای لغات شاهد نیامده است و کتاب مشتمل بر مقدمه و ابواب و خاتمه است. نسخه‌ای از این فرهنگ که تاریخ تحریر ۱۲۳۰ هجری قمری را دارد در کتابخانه مدرسه عالی سپهسالار مضبوط است. طبق فهرست احمد منزوی نسخه دیگری از آن در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران وجود دارد. بعد از فرهنگ عباسی از لحاظ ترتیب تاریخی باید یاد کنیم از برهان جامع که در تبریز تألیف یافته است. این فرهنگ در عهد فتحعلی شاه قاجار به امر بهمن میرزا فرزند عباس میرزای ولیعهد توسط کریم بن مهدی قلی گرمرودی شقاقی معلم سرخانه محمدشاه قاجار تألیف شده است. مؤلف مجموع لغات مشتمل در برهان قاطع را تلخیص کرده و قدری از شواهد شعری فرهنگ جهانگیری را در حاشیه آورده و کنایات هر لفظ را در ذیل آن درج کرده است و حشو و زواید آن دو فرهنگ یعنی جهانگیری و برهان قاطع را به زعم خود ترک گفته است. اتمام کتاب مقارن به سلطنت رسیدن محمدشاه فرزند عباس میرزا بوده که قبلاً ولایت عهدی داشته. کتاب یک مقدمه و بیست و نه باب دارد. مؤلف بعد از هر لغت ترکیبات و استعارات و کنایات را آورده، مثلاً بعد از لغت آب ترکیب آب آتش‌رنگ، آب آذرسا و غیره را آورده. ترتیب کتاب عیناً ترتیب جهانگیری است یعنی اساس ترتیب در هر لغت ابتدا حرف دوم و بعد حرف اول سپس حرف سوم و چهارم و غیره است. مثلاً لغتی مانند برف را باید در باب «ر» جستجو کرد و در مرتبه بعد به بخش «ب» نگاه کرد الخ. برهان جامع در نیمه رجب ۱۲۶۰ هجری قمری در تبریز به خط میرزا رضاقلی برادر مؤلف تحریر شده و در شوال همان سال در تبریز به طبع رسیده است.

فرهنگ نوبهار تألیف محمدعلی تبریزی معروف به مدرس صاحب ریحانه‌الادب فرهنگ آذربایجانی دیگری است که باید در اینجا از وی یاد کنیم. مؤلف می‌نویسد که فرهنگ *انجمن آرای ناصری* بیش از اندازه محل توجه ادبا و ارباب معرفت گردیده و به قیمت گزافش خرید و فروش می‌نمایند، لکن اکثرشان به واسطه کمیابی نسخه و گرانی قیمت قدرت تحصیل آن را نداشته و از منافع مقصوده‌اش محروم بودند لذا برخی از ساعات خود را به تلخیص آن گماشته و به عبارت ساده خلاصه‌اش را نگاشته به فرهنگ نوبهارش نامیده و ارمغان احباب نمودم ... و صد و هفت هزار و اندی از لغاتی که در آن کتاب نبود بدان افزودم. بنابراین فرهنگ نوبهار دارای ۱۹۴۴۳ لغت مفرد و مرکب است درحالی که شماره لغات فرهنگ *انجمن آرای ناصری* از ۱۲۰۰۰ هم کمتر است. فرهنگ نوبهار در دو مجلد به سال ۱۳۰۸ شمسی در تبریز به چاپ رسیده، مجلد اول دارای ۴۶۰ صفحه مشتمل بر لغات الف تا ژ و مجلد دوم تا صفحه ۸۹۶ شامل لغات سین تا ی است. قرار است فرهنگ نوبهار را بنیاد شهریار تبریز به زودی تجدید طبع نماید.

فرهنگ دیگری که یکی از اهالی آذربایجان نوشته، فرهنگ شاهنامه تألیف دکتر صادق رضازاده شفق است. این فرهنگ چنان‌که از نام آن پیداست لغات شاهنامه را نقل و شرح و معنی کرده است. مؤلف در سبب و کیفیت تألیف کتاب در مقدمه گفته است که به تشویق مرحوم محمد رضانی مدیر کتابخانه خاور به این کار دست زده و از لغت‌نامه‌هایی چون لغت‌نامه شاهنامه عبدالقادر بغدادی و لغت شاهنامه ضمیمه شاهنامه چاپ بمبئی و لغات منضم به شاهنامه امیربهادر به تکمیل کار خود پرداخته و پس از انتشار لغت شاهنامه فریتس ولف آلمانی تألیف

خود را کمال بخشیده است. نکته گفتنی آن که به جای نقل شاهد از متن شاهنامه برای تأیید معنی از اشعار شاعران دیگر شاهد آورده است. اما در چاپ دوم این نقیصه تاحدی رفع گردیده است. ضمن آن که لغات بیشتری نیز نسبت به چاپ نخستین در کتاب گنجانیده شده و بر فهرست و لف بیشتر تأکید شده است. مؤلف می گوید تمام لغات عربی شاهنامه را نقل کرده است تا تعداد و نوع آن لغات معلوم گردد. مؤلف مأخذ و منبع کار خود را تقریباً تمام لغت‌نامه‌های فارسی معرفی می کند اما می گوید به فرهنگ جهانگیری و انجمن آرای ناصری و تحقیقات برخی خاورشناسان بیشتر تکیه کرده است. چاپ نخست کتاب در سال ۱۳۲۰ شمسی صورت گرفته و چاپ دوم آن در سال ۱۳۵۰ شمسی در سلسله انتشارات انجمن آثار ملی با تصحیح دکتر مصطفی شهابی نشر شده است. این کتاب تقریباً ۲۴۰۰ عنوان لغوی دارد که برخی از آنها اسامی تاریخی و جغرافیایی است.

لغت‌نامه دهخدا بزرگ‌ترین فرهنگ فارسی است که در زبان فارسی تألیف شده، تعدادی از مؤلفان آن ادبای آذربایجانی هستند که اسامی آنان بدین قرار است: محمدامین ریاحی غلامعلی رعدی آذرخشی، محمداسمعیل رفیعیان، علی قلی کاتبی، منوچهر مرتضوی، جعفر شعار، حسن احمدی گیوی، رسول شایسته و بنده نگارنده حسن انوری. در این میان سهم احمد گیوی از همه مؤلفان بیشتر است چنان که ۲۲ مجلد از مجلدات ۲۲۰ گانه لغت‌نامه تألیف ایشان است، یعنی یک دهم لغت‌نامه از زیر دست ایشان بیرون آمده است.

لغت‌نامه دهخدا بنیاد نهاده شادروان علی اکبر دهخدا از مردم قزوین و از مفاخر ادبی و سیاسی ایران است که در سال ۱۲۵۸ شمسی متولد و در سال

۱۳۳۴ دارفانی را وداع گفته است. لغت‌نامه دهخدا اگرچه موضوع آن لغت است اما علاوه بر لغات، اصطلاحات و استعارات و ترکیبات و استعمالات فارسی و نیز اعلام تاریخی و جغرافیایی مربوط به ایران و قلمرو کشورهای اسلامی و برخی از ممالک غیراسلامی را در بر دارد. همچنین مشتمل است بر مسائل علمی و ادبی و دستوری و فلسفی و فنی و نظرات و عقاید فرقه‌ها و مکتب‌ها و صنایع لفظی و معنوی و غیره. تعداد عناوین این کتاب بنا به شمارش دکتر دبیر سیاقی در حدود دویست هزار است و مطالبی که در بخش اعلام آورده شده به حدود هشتاد هزار عنوان می‌رسد. چاپ نخستین آن در بیست و شش هزار و چهارصد و هفتاد و پنج صفحه سه ستونی در قطع رحلی و چاپ دوم آن در پانزده جلد و در ۲۳۹۱۱ صفحه به اضافه یک مقدمه منتشر شده است.

فرهنگ معاصر شامل لغات و ترکیبات عامیانه و واژه‌های نو و متداول در آثار نویسندگان معاصر فارسی تألیف رضا انزابی‌نژاد و منصور ثروت یکی دیگر از فرهنگ‌هایی است که از زیردست دو آذربایجانی به عرصه ادب عرضه شده است و در سال ۱۳۶۶ به وسیله انتشارات امیرکبیر انتشار یافته. مؤلفان در مقدمه نوشته‌اند: هدف از تدوین فرهنگ حاضر تلاش در رفع کمبودها و نارساها است. می‌توان هدف یاد شده را در نکته‌های زیر خلاصه کرد:

۱. تکمیل فرهنگ لغات عامیانه جمال‌زاده.

۲. تدوین مرجعی برای خوانندگان و پژوهندگان نشر فارسی از حیث رفع

مشکلات لغوی ...

۳. تألیف فرهنگ ویژه واژگان فارسی که بالقوه و به طور مستمر در ادبیات فارسی امروز مورد استعمال نثرنویسان در انواع ادبی است. بنابراین فرهنگ حاضر شامل است بر:

الف - لغایت و ترکیبات عامیانه خواه آنچه قدیم و کهن است و هنوز کاربرد دارد ...

ب - کلمات برساخته و مستحدث که اخیراً باب و متداول شده است. از جدیدترین فرهنگ‌هایی که به وسیله یک آذربایجانی تألیف شده فرهنگ فارسی دو جلدی است که ویراست چهارم آن در سال ۱۳۸۸ منتشر شده است. چاپ نخستین آن در سال ۱۳۶۰ به نام فرهنگ فارسی امروز نشر شده بود. مؤلف اصلی آن غلامحسین صدری افشار متولد ۱۳۱۳ ارومیه است و با همکاری خانم نسترن و نسرتین حکمی به این کار پرداخته است. فرهنگ فارسی دو جلدی همچنان که مؤلفان نوشته‌اند محصول کاری ۲۷ ساله است و شامل بیشتر واژه‌های مکتوب زبان فارسی است و هم فارسی ادبیات قدیم و هم زبان فارسی معیار. مدخل‌ها اغلب تعریف شده‌اند و از آوردن مترادف خودداری شده است. در پشت جلد این فرهنگ (چاپ ۱۳۸۸) ویژگی‌های آن چنین توصیف شده است: ثبت تازه‌ترین واژه‌های رایج در زبان فارسی مانند یادمان، بودمان، چپ کردن و ... تعریف دقیق و ساده معنی یا معنی‌های هر واژه همراه با چگونگی کاربرد آن، حدود ۶۰۰۰۰ واژه و اصطلاح ادبی، علمی، فنی و گفتاری زبان فارسی. حدود ۱۲۰۰ ترکیب اسمی و فعلی. بیش از ۳۰۰۰ ارجاع به واژه‌های متداول‌تر. حدود ۵۰ جدول با ۲۵ پیوست شامل نام ماه‌ها، نشانه‌های الکترونیک و عنصرهای شیمیایی، الفبای لاتین، واحدهای متری و ... این فرهنگ تا زمان خود

روش مندترین فرهنگی است که یکی از فرزندان آذربایجان به جامعهٔ زبان فارسی تقدیم کرده است.

آخرین فرهنگی که از زیردست یک آذربایجانی بیرون آمده فرهنگ بزرگ سخن است که مباشر آن بندهٔ نگارنده حسن انوری بوده‌ام. این فرهنگ در هشت مجلد حاوی بیش از هفتاد و پنج هزار مدخل اصلی و حدود سی هزار مدخل فرعی در سال ۱۳۸۱ از سوی انتشارات سخن منتشر شده است. تألیف این فرهنگ در تابستان ۱۳۷۲ از سوی انتشارات سخن به من پیشنهاد شد. ابتدا شیوه‌نامه‌ای تهیه کردم و آن را به نظر چند تن از صاحب‌نظران رساندم، پیشنهادهایی دریافت کردم و از نو شیوه‌نامهٔ دیگری تهیه کردم و این عمل چند بار تکرار شد تا شیوه‌نامهٔ نهایی به‌دست آمد. نخستین پرسشی که در ارتباط با شیوه‌نامه در برابر من بود این بود که فرهنگ را از روی فرهنگ‌های پیشین بنویسم یا از متون قدیم و جدید استخراج کنم. طبیعی است برای این که فرهنگ اصالت داشته باشد باید از متون استخراج شود. پس نخست باید پیکرهٔ فرهنگ به‌وجود آید. نخست کاری که کردم کتاب‌هایی را که باید در بخش عمومی زبان مبنای پیکره قرار گیرد و برگه‌نویسی شود یا به رایانه داده شود انتخاب کردم. در انتخاب آثار قدما دکتر رسول شایسته و شادروان دکتر حسن احمدی گوی طرف مشورت بودند و در انتخاب آثار معاصران با جمال میرصادقی، حسن میرعابدینی و صفدر تقی‌زاده مشورت کردم. در انتخاب آثار قدما به حوزهٔ جغرافیایی مقید نشدیم. کلیه آثاری که از قدیم‌ترین زمان‌ها تا اواسط دورهٔ قاجار در زبان فارسی به‌وجود آمده می‌تواند مبنای زبان فارسی قرار گیرد. در مقابل در انتخاب آثار معاصران مقید به زبان و اصطلاحات و تعبیرات پایتخت یعنی تهران شدیم به‌ویژه

به این نکته تکیه کردیم که آثار کسانی را انتخاب کنیم که زبان را به‌طور طبیعی به‌کار می‌برند و خود به لغت‌سازی نمی‌پردازند و نیز لغات و تعبیرات محلی (شهرستانی) به‌کار نمی‌برند. چرا از نویسندگانی که اصطلاحات محلی به‌کار می‌برند و یا از خود لغت می‌سازند آثاری انتخاب نکردیم؟ در مورد اول باید گفت فرهنگی که می‌خواستیم بنویسیم خاص زبان معیار رسمی و زبان پایتخت بود نه منعکس‌کننده همه گویش‌های ایرانی. زبان معیار رسمی یعنی زبانی که در مکاتبات و مقاله‌ها و کتاب‌های درسی و خطابه و گفتارهای رادیو و تلویزیون به‌کار می‌رود. برای زبان و گویش و لهجه هر منطقه باید فرهنگ اختصاصی تهیه شود. در مورد دوم، یعنی واژه‌های برساخته نویسندگان و مترجمان باید گفت این عمل در نفس خود کار خوبی است و به غنای زبان یاری می‌رساند، در صورتی که شیوع عام یابد و دیگران هم آن‌ها را به‌کار برند در آن صورت باید وارد فرهنگ شود ولی اگر استعمال آنها منحصر به سازنده آنها باشد جواز ورود به فرهنگ را ندارند. در مرحله بعد به انتخاب همکاران پرداختیم. در این باره باید از چهار گروه یاد کنم. گروه اول تعدادی دانشجوی یا لیسانسیه بودند که برای استخراج لغات از متون آوردیم. اینان را آموزش دادیم و کتاب‌ها را در اختیارشان گذاشتیم که موارد لازم را علامت‌گذاری کنند تا به رایانه داده شود. گروه دوم ویراستاران و مؤلفان بخش علمی بودند. دنبال یک نفر گشتم که بتواند بخش علمی را سرپرستی کند. به این معنی که اصطلاحات علمی از ریاضیات، فیزیک، شیمی، نجوم، زیست‌شناسی و غیره را که باید در فرهنگ بیابد با همکارانی که خود انتخاب می‌کند گزین کند، مؤلفان هر رشته را دعوت کند و پس از آماده شدن تعاریف آنها را هماهنگ و ویرایش کند. سرانجام پس از جستجوی فراوان

این فرد را یافتیم و آن مهندس مجید ملکان بود که اولاً دارای سابقه تألیف و ترجمه در حوزه‌های علمی و فنی بود و ثانیاً باتوجه به شغلی که در مرکز نشر دانشگاهی داشت و سرپرست بخش فنی و مهندسی آن مرکز بود با مؤلفان کتاب‌های فنی و مهندسی و علمی آشنایی داشت. گروه سوم مؤلفان بخش عمومی بودند. تعداد این گروه در مجلد اول فرهنگ ۲۵ نفر قلمداد شده است. گروه چهارم ویراستاران بودند که دیرتر انتخاب شدند. گروه سوم یعنی مؤلفان بخش عمومی با اتکا به شواهد که شاهدنویسان (گروه اول) از لیست‌های رایانه‌ای استخراج کرده بودند به تألیف پرداختند و در ذیل هر مدخل و اگر مدخل معانی گوناگون داشت در ذیل هر معنی همه شواهد را به تفکیک از جدید به قدیم قرار دادند و نظرهای خود درباره بعضی از معانی را در پشت فیش‌ها نوشتند و سپس اصطلاحات علمی را که از طرف گروه علمی رسیده بود در جای الفبایی یا در جای معنایی خود درج کردند یا قرار دادند. اینک هر مدخل با تمام ضمام و اضافات و شواهد متعدد که گاهی تا سی چهار شاهد می‌رسید در اختیار من بود. من کل هر مدخل را ویرایش کردم یا از تو تألیف کردم و از شواهد احیاناً معنای جدید به دست آوردم. و برای هر معنی فقط یک یا دو شاهد انتخاب نمودم و نهایتاً تنظیم نهایی کردم و به حروف‌نگار دادم و چنان‌که قبلاً نوشتم کتاب در ۸ مجلد در زمستان ۸۱ رونمایی شد. فرهنگ بزرگ سخن پس از انتشار در رسانه‌های داخلی و خارجی انعکاس گسترده‌ای یافت. مفصل‌ترین نقد را آقای داریوش آشوری نوشت که نخست در وبگاه BBC و دیرتر در تهران در مجله نگاه تو شماره ۵۷ انتشار یافت. آشوری از جمله می‌نویسد: «امتیاز بزرگ فرهنگ سخن نسبت به فرهنگ‌های کلان پیشین برخورداری نسبی آن از روش است. در

این اثر پر حجم هشت جلدی کوشیده‌اند به تمامیت آن به‌عنوان یک کار به هم پیوسته بنگرند. نگرشی که رعایت تناسب مدخل‌ها و گزینش آنها براساس منطق درست فرهنگ‌نویسی و گنجایش چنین پروژه‌ای و نیز کوشش در جهت یکدستی روش در تعریف را می‌طلبد. فرهنگ سخن می‌کوشد از نگاه سنتی ادیبانه به فرهنگ فاصله گیرد و از دست‌آوردهای فرهنگ‌نویسی مدرن در زبان‌های اروپایی در حد امکان الگوبرداری کند. «استادان و فرهیختگان دیگری نیز درباره فرهنگ سخن اظهار نظر کردند از جمله شادروان ایرج افشار کتاب‌شناس نامدار، دکتر عطاءالله مهاجرانی وزیر اسبق فرهنگ و ارشاد اسلامی، دکتر حداد عادل رئیس فرهنگستان زبان و ادب فارسی، کریم امامی متخصص نشر و مترجم، احسان یارشاطر بنیان‌گذار *دایرة المعارف ایرانیکا* و عده‌ای دیگر.

کتاب‌شناسی

- آشوری، داریوش: مقاله در مجله نگاه نو، شماره ۵۷.
- ابن‌الندیم، محمدبن اسحاق: کتاب الفهرست، تصحیح رضا تجدد، تهران، اساطیر، ۱۳۸۷.
- اسدی طوسی: لغت فرس، به کوشش محمددبیر سیاقی، انتشارات اقبال، ۱۳۳۶.
- _____: لغت فرس، به اهتمام عباس اقبال، تهران، ۱۳۱۹.
- _____: لغت فرس، به تصحیح فتح‌الله مجتبائی و علی‌اشرف صادقی، تهران، ۱۳۶۵.
- انزابی‌نژاد، رضا و ثروت، منصور: فرهنگ معاصر/میرکبیر، تهران، ۱۳۶۶
- انوری، حسن: فرهنگ بزرگ سخن، انتشارات سخن، تهران، ۱۳۸۱
- حکمت، علی‌اصغر: سخن نغز پارسی، تهران، ۱۳۲۹
- دبیرسیاقی، محمد: فرهنگ‌های فارسی و فرهنگ گونه‌ها، اسپرک، تهران، ۱۳۶۸
- دهخدا، علی‌اکبر: لغت‌نامه، مؤسسه لغت‌نامه، تهران، ۱۳۷۷
- رضازاده شفق، صادق: فرهنگ شاهنامه، انجمن آثار ملی، تهران، ۱۳۵۰

- شمس قیس: المعجم فی معاییر اشعار العجم، تصحیح محمد قزوینی و مدرس رضوی، زوار، تهران
- صدری افشار، غلامحسین و نسرین و نسترن حکمی، فرهنگ فارسی، فرهنگ معاصر، ۱۳۸۸
- فرهنگ مدرسه عالی سپهسالار، به تصحیح علی اشرف صادقی، سخن
- کریم بن مهدی قلی گرمودی شقاقی: برهان جامع، تبریز، ۱۲۶۰ ه.ق.
- مجتبائی، فتح الله: مقاله در نامه فرهنگستان، زمستان ۱۳۸۹، شماره مسلسل ۴۴
- محمد بن هندوشاه نخجوانی: صحاح الفرس، به اهتمام عبدالعلی طاعتی، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، ۱۳۴۱
- محمدحسین بن خلف تبریزی: برهان قاطع، به تصحیح محمد معین، امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۱
- محمدعلی تبریزی (مدرس): فرهنگ نوبهار، تبریز، ۱۳۰۸.